آیین‌ها به عنوان ابزار فیض

دکتر ویلیام بارکلی

من در یک کلیسای بپتیستِ بزرگ، رشد کردم. کلیسایی که در آن آیین تعمید به دفعات و شام خداوند به ندرت انجام می‌شد. مراسم تعمید همواره یک رویداد مهم و یک جشن بود، گاهی اوقات مردم با هیاهو در حین مراسم فریاد شوق سرمی‌دادند. از سوی دیگر، شام خداوند، رسمی، آرام و برای یک پسرِ جوان، کسل کننده بود. من هرگز هدف از طولانی شدن جلسه و نشستن بیش از پانزده تا بیست دقیقه برای انجام شام خداوند را درک نکردم. آیا کشیش نمی‌توانست فقط بگوید: "عیسی به خاطر گناهان شما روی صلیب مرد" و مراسم را خاتمه دهد؟ من هرگز واقعاً هدف تعمید را درک نکردم، جز اینکه یک حکم از طرف عیسی بوده. وقتی در دوازده سالگی تعمید گرفتم، معنای آن برایم فقط یک اتفاق گذرا در زندگی‌ام بود.

اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر تعالیم کتاب مقدس در مورد اهمیت تعمید و شام خداوند را اینگونه خلاصه می‌کند: "آیین‌ها، نشانه‌ها و مُهرهای مقدس عهد فیض هستند که از جانب خود خدا برای نشان دادن مسیح و مزایای او مقرر شده‌اند تا ما با مشارکت در آنها، بودن در مسیح را اعلام کنیم" (۲۷. ۱). اشاره به "نشانه‌ها و مُهرها" مستقیماً از رومیان ۴: ۱۱ گرفته شده است: "[ابراهیم] نشانه‌ی ختنه را یافت تا مُهر باشد بر آن عدالت ایمانی که در نامختونی داشت." اما آیین‌های مقدس به عنوان نشانه و مُهر از چه طریقی عمل می‌کنند؟

کتاب مقدس حاوی "نشانه‌های" بسیاری است. موسی در مصر "نشانه‌هایی" انجام داد (خروج ۴: ۸ و غیره). همچنین، معجزات عیسی را "نشانه‌ها" می‌نامند (یوحنا ۲: ۱۱). در واقع، تجسم و تولد عیسی از باکره خود یک "نشانه" بود (اشعیا ۷: ۱۴). نشانه‌ها نشانگرهای قابل مشاهده‌ای هستند که اگرچه به خودی خود قابل

توجه هستند، اما به چیز دیگری اشاره می‌کنند. نشانه‌های موسی به قدرت خدا و هدف او برای نجات قومش اشاره داشتند. نشانه‌های عیسی به هویت او به عنوان پسر ابدی خدا اشاره می‌کنند (یوحنا ۲۰: ۳۰-۳۱).

به‌طور قابل توجهی، از شش مورد اولی که در کتاب مقدس به کلمه‌ی "نشانه" اشاره شده است، چهار مورد آن عبارت "نشانه‌ی عهد" است، (پیدایش ۹: ۱۲، ۱۳، ۱۷؛ ۱۷: ۱۱). پس از طوفان، خداوند با نوح عهد، یعنی پیمانی الزام‌آور بست و وعده داد که دیگر زمین را با سیل نابود نخواهد کرد. به عنوان نشانه‌ای برای تأیید عهد خود، خدا رنگین کمان را مقرر کرد. من در فلوریدا بزرگ شده‌ام، جایی که رعد و برقِ بعداز ظهر تابستان، اغلب همراه با رنگین کمان است. ما می‌توانیم از زیبایی یک رنگین کمان شگفت‌زده شویم؛ اما هدف اصلی آن یادآوری وفاداری خداوند به عهدش نسبت به ماست.

خدا همچنین با ابراهیم عهد بست (پیدایش ۱۵: ۱۸؛ ۱۷: ۲ و غیره؛ رجوع کنید به خروج ۲: ۲۴). در این عهد، خداوند وعده داد که او خدای ابراهیم و فرزندانش خواهد بود، به ابراهیم سرزمینی خواهد داد، به وسیله‌ی او اقوام جهان برکت خواهند یافت و ذریت او را به اندازه‌ی ریگ‌های ساحل دریا و ستارگان آسمان بی شمار خواهد ساخت. برای تأیید این وعده‌ها، خداوند ختنه را به عنوان "نشانه‌ی عهد" به ابراهیم داد (پیدایش ۱۷: ۱۱).

این نشانه‌ها یادآوری‌های قابل مشاهده و ملموسی هستند که وعده‌های خدا را به قومش تأیید می‌کنند. آنها همچنین با عهدی که داده شده است سازگاری کامل دارند. رنگین کمان پس از باران در آسمان ظاهر می‌شود، زمانی که خورشید از قطرات آب عبور می‌کند. خداوند ممکن است باران‌های شدیدی را بفرستد که منجر به سیل محلی شوند و برای برخی نتایج فاجعه‌باری داشته باشد. با این حال، او دیگر هرگز سراسر زمین را با سیل نابود نخواهد کرد و تمام بشریت را از بین نخواهد برد. در عهد خدا با ابراهیم، خداوند به ابراهیم وعده‌ی فرزند

و یک "ذریت" را (در نهایت در مسیح تحقق یافت؛ غلاطیان ۳: ۱۵-۱۸) داد. به‌طور مناسب، نشانه‌ی این عهد ختنه بود که بر عضو تولید مثل مرد اعمال می‌شود. همانطور که خواهیم دید، ماهیت مناسب نشانه‌های خدا برای سایر عهدها نیز صادق است، از جمله نشانه‌ی عهد جدید در خون مسیح.

آگوستین، یکی از پدران کلیسا، به آیین‌ها به عنوان "کلام قابل مشاهده" اشاره می‌کند. هنگامی که کودکان در حال یادگیری هستند، اغلب به تصاویر یا اشیاء ملموس نیاز دارند تا به آنها در درک یک درس کمک کند. این چیزی است که خداوند در این نشانه‌های قابل مشاهده و محسوس به ما می‌بخشد. او نزد ما آمد تا ما چون فرزندان او وعده‌های عهدش را درک کنیم، به خاطر بسپاریم و زندگی کنیم.

مُهرها در زمان پولس غالباً از موم ساخته می‌شدند و نقشی بر آنها طراحی شده بود که هویت مالک مُهر را تأیید می‌کرد. اسناد و نامه‌های رسمی معمولاً دارای مُهر و موم بودند. اگر فرستنده یک پادشاه یا مقام دولتی بود، تا قبل از رسیدن به مقصد کسی جرأت شکستن مُهر و دیدن محتویات را نداشت. درواقع مُهر و موم هم هویت فرستنده را تایید می‌کرد و هم محتویات را محفوظ می‌داشت.

به همین ترتیب، نشانه‌های عهد خدا نیز هم هویت ما را به عنوان کسانی که متعلق به خدا هستند تأیید می‌کند و هم عضویت ما را در آن عهد تضمین می‌کند. به بیان دیگر، نشانه‌های عهد، یا آیین‌های مقدس هم ما را در رابطه‌ی با خدا مطمئن و تقویت می‌کنند. آگوستین آن را اینگونه بیان می‌کند: آیین‌ها "نشانه‌های دیدنی فیض نادیدنی" هستند. آنها راهی هستند که خدا فیض خود را برای تقویت ایمان ما به ما می‌بخشد.

با نگاهی دوباره به رومیان باب ۴، قبل از گفته‌های پولس در مورد اینکه ختنه نشانه و مُهر عدالت ایمان ابراهیم است (آیه ۱۱)، می‌گوید، ابراهیم "به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد" (آیه ۳). از این رو، ختنه نشانه و مُهر این حقیقت بود که خداوند ابراهیم را با ایمان و تنها با ایمانش عادل اعلام کرد. با این حال،

پولس بعداً می‌گوید که ابراهیم "در ایمان خود قوی شد" (آیه ۲۰)، حتی پس از سال‌ها تلاش بی حاصل برای داشتن فرزند. یکی از دلایل ایمان قوی ابراهیم، نشانه‌ی عهدی بود که خدا به او داده بود. بدنش همواره در مورد وعده‌ی خدا به او شهادت می‌داد و آن را تأیید می‌کرد.

نشانه‌های عهد از جهاتی دیگر هم عمل می‌کنند. عهدها در دنیای باستان، قراردادهایی الزام‌آور بودند که شامل تعهدات و مسئولیت‌های هر دو طرف بود. در عهدنامه‌های کتاب مقدس، خدا وعده می‌دهد که خدای ما باشد. ما به نوبه‌ی خود متعهد می‌شویم که خود را کاملاً به او بسپاریم و از احکام او اطاعت کنیم. کلمه لاتین sacramentum (سَکرامنتوم) اغلب به سوگند وفاداریی که سربازان به فرمانده‌ی خود می‌دادند اشاره دارد. به همین ترتیب، آیین‌ها، مسیحیان را به عنوان افرادی که کاملاً متعلق به مسیح هستند از دیگران متمایز می‌کند. در آیین‌های مقدس، ما متعهد می‌شویم که به‌طور کامل و بدون قید و شرط به او تعلق داشته باشیم.

وقتی مراسم ازدواجی را انجام می‌دهم، عروس و داماد حلقه‌های خود را رد و بدل می‌کنند و به هم می‌گویند: "این حلقه را به نشانه‌ی ایمان و محبت همیشگی‌مان به تو می‌دهم". ازدواج کتاب مقدسی یک عهد است (ملاکی ۲: ۱۴). حلقه‌ی ازدواج نشانه و مُهر آن عهد است و محبت و عهد عروس و داماد به یکدیگر را تأیید و اعلام می‌کند. حلقه‌ای که در دست من است نشانه‌ی تعهد من به هسمرم است، اینکه من متعلق به او هستم و عهدی را تأیید می‌کند که براساس آن باید تا زمان مرگ به آن وفادار باشم.

با این حال، آیین‌ها بسیار عمیق‌تر و غنی‌تر از حلقه‌های ازدواج هستند. آنها در واقع ما را از لحاظ روحانی تقویت می‌کنند تا به عهد خود نسبت به خدا وفادار باشیم. آن‌ها به ما کمک می‌کنند شبیه مسیح شویم و رابطه‌ی ما با مسیح را مستحکم‌تر می‌کنند. آیین‌ها به تنهایی و به روشی جادویی عمل نمی‌کنند. آنها باید با

کلام و روح همراه باشند و تنها زمانی مؤثر هستند که با ایمان دریافت شوند. هنگامی که آیین‌ها به درستی انجام شده و دریافت شوند، ابزار مهمی برای شادی و رشد روحانی هستند.

ادامه‌ی این مقاله بر دو و تنها دو آیین مقدسی که خداوند به قوم خود در عهد جدید داده است متمرکز خواهد شد؛ شام خداوند و تعمید. ما معنای خاص هر یک را به‌طور جداگانه بررسی خواهیم کرد و در مورد اینکه چگونه آنها به عنوان ابزاری برای فیض و تقویت روحانی در زندگی ما عمل می کنند بحث خواهیم کرد.

شام خداوند

عیسی در حین خوردن شام عید فصح با شاگردانش آیین شام خداوند را بنا کرد. جشن عید فصح یک نشانه از عهدی قدیمی بود، تا به قوم خدا کار عظیم او در رهایی آنها از بردگی و بیرون آوردنشان از مصر- را یادآوری کند (خروج ۱۳:۹). این غذا شامل بره و نان فطیر بود که هر دو نشانه‌های مناسبی برای واقعه‌ی خروج بودند. بنی‌اسرائیل نان فطیر خوردند زیرا باید به سرعت از مصر- خارج می‌شدند و خون بره‌ای که به چهار چوب در خانه‌هایشان ریخته شد، آنها را در برابر داوری خداوند که بر مصر ریخته می‌شد حفظ کرد.

به همین ترتیب، شام خداوند کار عظیم نجات خداوند را در عهد جدید تجلیل می‌کند. عیسی در شام عید فصح به شاگردانش گفت: "این بدن من است که برای شما داده می‌شود" (لوقا ۲۲: ۱۹) و "این پیاله عهد جدیدی است که در خون من که برای بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود" (متی ۲۶: ۲۸). شام خداوند نشانه‌ای است که مرگ مسیح بر روی صلیب را برای ما آشکار می‌کند. ما "به یاد" مسیح می‌خوریم و می‌نوشیم (لوقا ۲۲: ۱۹).

شام خداوند همچنین به آینده اشاره می‌کند. در شام آخر، عیسی، در حالی که مشتاق به پایان رسانیدن مأموریتش بود، گفت: "زیرا به شما می‌گویم که تا ملکوت خدا نیاید، از میوه‌ی مو دیگر نخواهم نوشید" (لوقا

۲۲: ۱۸). به‌طور مشابه، پولس در رابطه با شام خداوند می‌نویسد: "زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید تا هنگامی که باز آید" (اول قرنتیان ۱۱: ۲٦). در اینجا توجه کنید که می‌گوید شام خداوند "ظاهر می‌نماید". این کلام قابل مشاهده است.

با این حال، شام خداوند چیزی بیش از کلام قابل مشاهده است. همه‌ی حواس ما را درگیر می‌کند. ما می‌بینیم، نان و شراب را بو می‌کنیم، لمس می کنیم و می‌چشیم. شام خداوند، وقتی به درستی انجام شود، همچنین شامل شنیدن موعظه‌ی کلام و تعلیم صحیح در مورد معنای عناصر است. شام خداوند به ما کمک می‌کند تا با درگیری هر پنج حواس، شگفتی مرگ مسیح را بهتر درک کنیم. شام خداوند مرگ مسیح را بر روی صلیب برای ما شخصی می‌کند. مسیح نه فقط برای گناهکاران، بلکه برای من مُرد.

به عبارت دیگر، شام خداوند حقیقت مرگ مسیح را بر قلب‌های ما مُهر می‌کند. این یک تأیید بیرونی و فیزیکی است که من به مسیح تعلق دارم و مسیح خودش را برای من داده است. در پرسش و پاسخ هایدلبرگ به زیبایی آمده است (۱):

یگانه آرامش شما در زندگی و مرگ چیست؟ این که من، جسماً و روحاً، در زندگی و در مرگ، نه به خود، بلکه به نجات دهنده‌ی وفادارم، عیسی مسیح تعلق دارم، او که به بهای خون خود جریمه‌ی تمام گناهان من را به‌طور کامل پرداخت کرده، مرا از ظلمت سلطه‌ی شیطان رهایی داده و به خوبی از من محافظت می‌کند و دانستن اینکه بدون اراده‌ی پدر آسمانی، مویی از سر من کم نمی‌شود، بلکه او همه چیز را برای نجات من به کار می‌برد.

علاوه بر این، در شام خداوند، ما از نظر روحانی با مسیح ارتباط برقرار می‌کنیم. پولس می‌نویسد: "پیاله‌ی برکت که آن را تبرک می‌خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می‌کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟" (اول قرنتیان ۱۰: ۱٦). کلمه یونانی‌ای که به "شراکت" ترجمه شده است *koin nia* (کوین

نیا) است، کلمه‌ای که به همراهی صمیمی با کسی اشاره دارد. در مقابل، پولس به قرنتیان توصیه می‌کند که در بت‌پرستی امت‌ها شراکت نداشته باشند (آیه ۲۰). مسیح از نظر روحانی در شام خداوند حضور دارد. وقتی از نان و پیاله می‌خوریم، با او ارتباط صمیمی داریم.

در دنیای باستان، خوردن یک وعده‌ی غذایی با شخصی دیگر بیانگر صمیمیت بود. همچنین غذا خوردن بخش مهمی از مراسم عهد و پیمان بود. طرفینی که با یکدیگر عهد می‌بستند، آن توافق را با غذا خوردن با هم امضا می‌کردند. ما این را در خروج ۱۹-۲۴ می‌بینیم. پس از اینکه خداوند در کوه سینا با بنی‌اسرائیل عهد بست، موسی و رهبران اسرائیل در حضور خدا در کوه غذا خوردند. در واقع، رابطه‌ی صمیمانه‌ی بین خدا و قومش، هدف از عهد خدا با آنهاست.

این امر به ویژه در عهد جدید آشکار است. در عهد جدید، خداوند شریعت خود را بر دل‌های ما می‌نویسد، گناهان ما را می‌بخشد، و خود را به شخصی‌ترین و صمیمی‌ترین وجه به ما می‌شناساند: "جمیع ایشان از خُرد و بزرگ مرا خواهند شناخت" (ارمیا ۳۱: ۳۴). هر سه شخص تثلیث در این رابطه‌ی صمیمی دخیل هستند. خداوند در عهد به ما نزدیک می‌شود. مسیح برای تحقق وعده‌های عهد جدید مانند ما شد. روح‌القدس در ما ساکن است، ما را خلقتی تازه ساخته و قادر می‌سازد تا وظایف عهد را انجام دهیم. خدا فقط نزدیک ما نیست، او در ماست.

شام خداوند رابطه‌ی صمیمی ما با خدا را به واقعیت تجربی بزرگتری برای ما تبدیل می‌کند و رابطه‌ی قلبی ما با خدا را اعلام می‌کند، یعنی محبت خدا به ما و محبت ما به خدا. در شام خداوند، مسیح حضور دارد و به ما می‌گوید: "تو فرزند محبوب من هستی. جانم را برای تو دادم، اکنون به تو قدرت می‌دهم تا صلیب خود را برداشته و از من پیروی کنی."

شـــام خداوند همچنین هویت جدید ما را در عهد جدید به ما یادآوری می‌کند. عید فصـــح عهد قدیم باید با خانواده جشن گرفته می‌شد. اما عیسی عید فصح را با شاگردانش خورد و نشان داد که آنها خانواده‌ی جدید و واقعی خدا هســـتند. تمامی افرادی که از عیســـی پیروی می‌کنند برادران و خواهران او هســـتند. برخی شـــام خداوند را «آیین جداکننده» می‌نامند، آیینی که ما را به عنوان افرادی که حقیقتاً و کاملاً به مســـیح تعلق داریم معرفی می‌کند.

به این ترتیب، شـــام خداوند ما را با همه‌ی کســـانی که به مســـیح تعلق دارند متحد می‌کند. پولس به قرنتیان می‌گوید عدم اتحاد آنها ماهیت انجام آیین شام خداوند را در آن کلیسا از بین برده است، به شکلی که ممکن نیست در آن وضعیت شام خداوند خورده شود (اول قرنتیان ۱۱: ۲۰). در شام خداوند، ما با مسیح و با یکدیگر وارد مشارکت می‌شویم و روح‌القدس اتحاد ما با مسیح و برادران و خواهرانمان را تقویت می‌کند.

شـــام خداوند از نظر نمادین بســـیار غنی اســـت. مهمتر از همه، کفاره‌ی جایگزین مســـیح برای ما را به یادمان می‌آورد و اینکه او داوری ما را بر خود گرفت. همچنین اتحاد ما با مسیح را تأیید و تقویت می‌کند، زیرا ما نه تنها به یاد می‌آوریم، بلکه از نظر روحانی با مســـیح ارتباط برقرار می‌کنیم. در شـــام خداوند عهدهایمان با یکدیگر را نیز محکم می‌کنیم. شام خداوند به "شام عروسی بره" اشاره دارد، که ما در حضور مسیح و با برادران و خواهران مســـیحی از هر قوم، قبیله، رنگ و زبان خواهیم خورد. در این بین، شـــام خداوند ما را تقویت می‌کند تا برای مسیح به عنوان بدن مسیح زندگی کنیم و ما را از جهان و برای جهان جدا می‌کند.

تعمید

تعمید نیز سرشار از نمادگرایی است. بر خلاف شام خداوند، که بارها تکرار می‌شود، تعمید فقط یک بار برای هر شخص انجام می‌شود. از این جهت شبیه علامت ختنه است. مانند ختنه، تعمید نشانه‌ی ورود ما به جامعه‌ی عهد است.

نماد اولیه‌ی تعمید شستشو یا تطهیر است. این نشانه به معنی پاک بودن ما در مسیح می‌باشد. این یک ارتباط طبیعی بین تعمید و پاک شدن است، چون ما برای شستن خود نیز از آب استفاده می‌کنیم. با این حال، تعمید به طهارت جسم اشاره نمی‌کند، بلکه به طاهر شدن روحانی اشاره دارد.

عهد جدید چندین بار تعمید را به پاک شدن گناهان پیوند می‌دهد. پس از تبدیل پولس، حنانیا نزد او می‌آید و می‌گوید: "برخیز و تعمید بگیر و نام خداوند را خوانده، خود را از گناهانت غسل بده" (اعمال رسولان ۲۲: ۱٦). پطرس بعداً می‌نویسد: "که نمونه آن، یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد نه دور کردن کثافت جسم بلکه امتحان ضمیر صالح به سوی خدا بواسطه برخاستن عیسی مسیح" (اول پطرس ۳: ۲۱). در یک نگاه سطحی به این دو قسمت ممکن است این برداشت ایجاد شود که تعمید گناهان ما را می‌شوید و ما را نجات می‌دهد. اما با بررسی دقیق‌تر، متوجه اشتباه بودن آن دیدگاه سطحی می‌شویم. پطرس در بخش دوم آیه می‌گوید، نه دور کردن کثافت جسم، بلکه بواسطه‌ی برخاستن عیسی مسیح، زیرا او گناهان ما را شسته است. همچنین پولس نیز می‌نویسد: "تا مسیح آن را به غسل آب بوسیله‌ی کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید" (افسسیان ۵: ۲٦). همانطور که یوحنا نیز می‌گوید، "خون عیسی . . . ما را از هر گناه پاک می‌سازد" (اول یوحنا ۱: ۷). خون عیسی پاک می‌کند، نه آب تعمید. آب تعمید به طهارت در خون مسیح اشاره دارد.

یکی دیگر از جنبه‌های تعمید که با شام خداوند متفاوت است این است که تعمید گیرنده منفعل است. در شام خداوند، شرکت کنندگان فعال هستند. آنها فعالانه می‌گیرند و می‌خورند و می‌نوشند. تمامی افرادی که در شام

خداوند شراکت می‌کنند فراخوانده می‌شوند تا خود را بیازمایند و "بدن خداوند را تمییز کند" (اول قرنتیان ۱۱: ۲۸-۲۹). ما شرکت کنندگان فعال در شام خداوند هستیم.

از طرف دیگر تعمید برای شخص اعمال می‌شود. تعمید به فیض خدا و این واقعیت اشاره دارد که نجات کاملاً کار خداوند است. خداوند ما را برگزیده و به وسیله‌ی روح خود تبدیل کرده است. حتی ایمان نیز هدیه‌ای از جانب خداست (افسسیان ۲: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۹). تعمید اعلام این موضوع است که تمامی متعلقین به مسیح در فیض خدا نجات یافته‌اند. نجات، از آغاز تا پایان، کار خداست.

تعمید همچنین نمادی از بخشده شدن روح خدا به قومش است. عیسی به آمدن روح‌القدس بر قومش در پنطیکاست به عنوان تعمید اشاره می‌کند. آمدن روح در اعمال رسولان باب ۲ تحقق پیشگویی یوئیل نبی است. او پیشگویی کرده و گفته بود، خداوند روح خود را بر تمام افراد، مرد و زن، یهودی و غیریهودی "خواهد ریخت". به همین ترتیب، یحیی تعمید دهنده اعلام کرد که به آب تعمید می‌دهد، اما مسیح با روح‌القدس و آتش تعمید خواهد داد.

با این حال، پیوند بین روح و تعمید بیش از یک ارتباط ادبی است. خود روح وسیله‌ی طهارت روحانی است. پولس می‌نویسد که خدا "ما را نجات داد. . . به غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح‌القدس است" (تیطس ۳: ۵). به همین ترتیب، نبوت حزقیال در مورد عهد تازه، مانند نبوت ارمیا، طهارت و توانایی اطاعت از خدا را به ساکن شدن روح‌القدس گره می‌زند:

و آب پاک بر شما خواهم پاشید و طاهر خواهید شد. و شما را از همه‌ی نجاسات و از همه بت‌های شما طاهر خواهم ساخت. و دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد. و دل سنگی را از جسد شما

دور کرده، دل گوشتین به شما خواهم داد. و روح خـــود را در اندرون شما خواهم نهاد و شمـــا را به فرایض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مـرا نگاه داشته، آنها را بجا آورید. (حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷)

روح طاهر می‌سازد و قدرت می‌بخشد

علاوه بر این، تعمید ما را برای مسیح جدا ساخته، با او متحد می‌سازد. به این دلیل که مسیح در تعمید خود با ما یکی شد. تعمید یحیی تعمید دهنده "تعمید توبه به جهت آمرزش گناهان" بود (مرقس ۱: ۴). عیسی، پسر عاری از گناه خدا، هیچ گناهی مرتکب نشده بود. یحیی در واقع سعی کرد عیسی را از تعمید دور نگه دارد و به او گفت: "من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم" (متی ۳: ۱۴). با این حال، مأموریت عیســـی این بود که مانند یکی از افراد قوم خود شده و گناهان آنها را بر خود بگیرد. پولس می‌نویسد، خدا "او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم" (دوم قرنتیان ۵: ۲۱). عیسی توسط یحیی تعمید یافت، نه به این دلیل که او نیاز داشت از گناه پاک شود، بلکه به این دلیل که ما نیاز به پاک شدن از گناهان را داشتیم.

در تعمید، عیسی برای مأموریتش جدا شد، منصوب شد تا خدمتی را که برای انجام آن از جانب خدا فراخوانده شده بود آغاز کند. عیســی در زمان تعمید و شروع خدمتش حدوداً سی ساله بود (لوقا ۳: ۲۳). سی سالگی سنی بود که کاهنان عهد قدیم خدمت خود را آغاز می‌کردند (اعداد ۴: ۳). آنها با مراسم تطهیر به وسیله‌ی آب برای خدمت تقدیس می‌شـــدند (خروج ۲۹: ۴؛ لاویان ۸: ٦). به همین ترتیب، تعمید عیســـی او را برای شروع خدمتش به عنوان کاهن اعظم، در تعلیم، شـــفاعت پیروانش، و تقدیم خود به عنوان آخرین و تنها قربانی دارای کفایت برای برداشتن گناهان قومش، متمایز کرد.

به روشی مشابه، تعمید ما را به عنوان متعلقین به خدا تقدیس می‌کند. تعمید اعلام هویت تازه‌ی ما در مسیح است. بر اساس عهد قدیم، ختنه، بنی‌اسرائیل را از امت‌های "ختنه نشده" متمایز می‌کرد. تعمید نیز ما را از

جهان جدا ساخته و اعلام می‌کند که ما از آن مسیح هستیم. تعمید ما نماد اتحاد ما با مسیح است، او که در تعمیدش ما را با خود متحد ساخت و هویت تازه‌ی ما را در این اتحاد قرار داد. تعمید همچنین ما را برای خدمت به مسیح جدا می‌سازد. مانند مسیح (البته نه دقیقاً به همان صورت)، ما "کاهنان" هستیم (مکاشفه ۱: ٦)، که هر روزه فراخوانده می‌شویم تا بدن‌های خود را به عنوان قربانی زنده، مقدس و پسندیده به خدا ارائه کنیم (رومیان ۱۲: ۱).

طهارت، تقدیس، هویت، آغاز، اینها همه در معنای تعمید دیده می‌شوند. پرسش و پاسخ وست‌مینستر به ما تعلیم می‌دهد که تعمید خود را "بهبود" ببخشیم. به این معنی که همواره به یاد داشته باشیم که با مسیح متحد شده، در او طهارت گناهان را یافته، در او تقدیس شده و با قدرت روح‌القدس برای خدمت به او فراخوانده شده‌ایم. تعمید ابزاری برای فیض است زیرا به ما یادآوری می‌کند که ما کی هستیم و خدا برای ما چه کرده است. تعمید نجات نمی‌دهد، اما ما را به فیض خدا و به ثروت خدا در مسیح رهنمون می‌سازد.

در حالی که آیین‌ها "کلام قابل مشاهده" هستند، کلام مکتوب خداوند و موعظه‌ی آن در زندگی و پرستش مسیحی جایگاهی مرکزی دارد. ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا (رومیان ۱۰: ۱۷)، که ابزار اولیه‌ی فیض است. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که خود را به عنوان شبان در افسس وقف خواندن عمومی کلام، تعلیم و موعظه کند (اول تیموتائوس ۴: ۱۳). آیین‌ها اگرچه مهم هستند، اما مسیح را به خودی خود به نحوی عرفانی اعطا نمی‌کنند. آنها موعظه‌ی کلام را تکمیل می‌کنند و هرگز نباید جای خواندن و تعلیم کتاب مقدس را بگیرند. آیین‌ها هرگز نباید بدون موعظه و بدون تبیین مناسب معنای آنها انجام شوند. با این حال، وقتی آیین‌ها به درستی انجام شوند، ابزارهای حیاتی فیض برای تقویت ما در راه رفتن با خداوند هستند.

دکتر ویلیام بارکلی، کشیش ارشد کلیسای پرزبیتری Sovereign Grace و استاد عهد جدید در دانشگاه الهیات ریفورمد در شهر شارلوت، ایالت کارولینای شمالی است. او نویسنده‌ی کتاب The Secret of Contentment and Gospel Clarity می‌باشد.

این مقاله در مجله تیبل‌تاک منتشر شده است.